

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۶/۰۵/۳۰

موضوع: موضع گیری امام جواد (سلام الله عليه) در رابطه با انحرافات دینی عصر خویش

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلوة على محمد رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله الى يوم لقاء الله.

افوض امرى الى الله ان الله بصير بالعباد. رب اشرح لى صدرى و يسرلى امرى و احلل عقدة من لسانى يفقهوا
قولى

قال الإمام الجواد (عليه السلام):

«التَّفَقُّهُ تَمَنُّ لِكُلِّ غَالٍ وَ سُلْمٌ إِلَى كُلِّ غَالٍ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۱، ص

۲۱۸، ح ۴۱

شب شهادت مظلومانه امام جواد (سلام الله عليه) برادرزاده بی بی دو عالم حضرت فاطمه معصومه (سلام الله عليها)؛ اولاً به پیشگاه مقدس بانوی دو سرا و به پیشگاه مقدس حضرت بقية الله الأعظم (ارواحنا له الفداه) و همه دلباختگان اهلبیت عصمت و طهارت به ویژه شما گرامیان تسلیت و تعزیت عرض می کنم.

خدا را به آبروی حضرت جواد الائمه (علیه السلام) قسم می‌دهم پاداش ما را بر این مصائب فرج موفور السرور
مولایمان حضرت بقیه الله الأعظم قرار بدهد؛ ان شاءالله. به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

شب شهادت امام جواد (سلام الله علیه) است؛ مقتضای زمان و مکان این است پیرامون زندگی بابرکت آقا جواد
الائمه که به تعبیر پدر بزرگوارش حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) «مولودی بابرکت‌تر از امام جواد به
دنیا نیامده»، سخن گفته شود.

البته برای همه روشن است که ما نسبت به بعضی از ائمه بزرگوار، جلسات و ایام متعددی داریم که پیرامون آن
بزرگواران سخن می‌گوییم.

در رابطه با حضرت سیدالشهدا یک ماه محرم و یک ماه صفر، زمینه سخن گفتن پیرامون وجود مقدس آن
بزرگوار و قیام با برکتش سخن می‌گوییم. همچنین ایام مبارک ماه رمضان پیرامون وجود مقدس حضرت
امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) سخن می‌گوییم؛ ولی در رابطه با بعضی از ائمه بزرگوار همانند امام جواد، امام
هادی یا امام عسکری (سلام الله علیهم) جز شب شهادت یا شب ولادت آن بزرگواران سخن نمی‌شود و
غالباً مطالبی که بیان می‌شود تکراری است.

بنده امشب مقدار کوتاهی در رابطه با وجود مقدس جواد الائمه سخن می‌گویم و بعد می‌خواهم محور سخن
خودم را در مقطعی از زندگی حضرت جواد الائمه متمرکز کنم؛ و آنهم عکس العمل و موضع‌گیری‌های
هوشمندانه حضرت جواد الائمه (سلام الله علیه) نسبت به انحرافات مذهبی و سیاسی و عقیدتی که در عصر آن
بزرگوار بود اختصاص دهم. شاید بعضی از شما گرامیان در این زمینه کم سخن شنیده باشید.

اما در رابطه با امام جواد (علیه السلام) باید عرض کنم که یکی از اعتراضاتی که عمدتاً به امام هشتم (سلام الله
علیه) داشتند، این است که امام رضا فرزندی ندارد!!

بسیاری از مخالفین طعنه می‌زدند که اگر تو امام به حق هستی چرا دارای فرزند نیستی؟ بعد از تو رشته امامت گسسته خواهد شد. حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در این زمینه سخنان زیادی دارد.

چون امامت امام هشتم در سال ۱۸۳ هجری قمری و بعد از شهادت امام کاظم (علیه السلام) آغاز شد و تا سال ۱۹۵ هجری قمری، یعنی تا هفت سال قبل از شهادتش، فرزندی نداشت.

امام هشتم در برابر اعتراضات مخالفین به کرات می‌فرمودند: خداوند عالم فرزندی به من عنایت خواهد کرد که بابرکت‌تر از او فرزندی به دنیا نیامده است. تعبیری که مرحوم «کلینی» در کتاب «کافی» جلد اول صفحه ۳۲۱ آورده این است:

«هَذَا الْمَوْلُودُ الَّذِي لَمْ يُولَدْ مَوْلُودٌ أَكْبَرُ عَلَى شِيعَتِنَا مِنْهُ»

خداوند عالم فرزندی بابرکت‌تر از امام جواد بر شیعیان ما ارزانی نداشت.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱،

ص ۳۲۱، ج ۹

قضایای زیادی در این زمینه وجود دارد که من نمی‌خواهم زیاد وقت شما گرامیان را در این زمینه اشغال کنم.

یکی از نکات حساسی که «ابن شهر آشوب مازندرانی» در کتاب «المناقب» جلد چهارم صفحه ۳۹۴ از قول حکیمه خاتون (سلام الله علیها) آورده این است که می‌گوید: روز سوم ولادت امام جواد بود که آقا امام رضا تربیت و رسیدگی به حال آن نوزاد را به من محول کرده بود. من روز سوم ولادت ایشان دیدم که این بزرگوار در گهواره، چشم مبارکش را باز کرد، به طرف آسمان نگاه کرد و فرمود:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»

حکیمه خاتون می‌گوید من سراسیمه خدمت امام رضا رسیدم و عرض کردم:

«لَقَدْ سَمِعْتُ مِنْ هَذَا الصَّبِيِّ عَجَباً»

من از این نوزاد مطلب تعجب آور و شگفت انگیز شنیدم.

«فَقَالَ وَ مَا ذَاكَ»

امام رضا فرمود: چه چیزی شنیدی؟

«فَأَخْبَرْتُهُ الْخَبَرَ»

من قضیه را برای ایشان نقل کردم.

«فَقَالَ يَا حَكِيمَةً مَا تَرَوْنَ مِنْ عَجَائِبِهِ أَكْثَرَ»

امام رضا (علیه السلام) فرمود: ای حکیمه! از این نوزادم کارهای شگفت انگیز بیشتری مشاهده خواهی کرد.

مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، نویسنده: ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ج ۴، ص ۳۹۴،

فصل فی آیاته ع

خلفای عصر آن بزرگوار هم عمدتاً «مأمون»، «معتصم» و «واثق» عباسی بودند. این بزرگوار در سن هفت سالگی پدر بزرگوارشان را از دست دادند و در نهایت در سال ۲۲۰ هجری قمری هم به واسطه سمی که توسط «معتصم» و «واثق» در داخل دانه‌های انگور تزریق کرده بودند و از طریق همسر آن بزرگوار، أم الفضل (علیها لعائن الله) به ایشان خوردند؛ به شهادت رسیدند.

جواد الائمه سم را تناول کرد و اثر سم در بدن مبارکشانش ظاهر شد. بلافاصله «أم الفضل» از این کار پشیمان شد و شروع به گریه کرد.

امام جواد (علیه السلام) به او فرمود: دیگر اشک ریختن به حال تو فایده‌ای ندارد. خداوند عالم تو را به مرضی گرفتار خواهد کرد که علاجی برای آن پیدا نخواهی کرد. بعد از شهادت جواد الائمه «أم الفضل» به بیماری‌هایی مبتلا شد و تمام ثروت بادآورده پدرش را خرج کرد، اما فایده‌ای نداشت و عاقبت به درک أسفل واصل گردید! و برادر او که در مسموم ساختن امام جواد سهیم بود در داخل چاهی افتاد که بدن نحس او را مرده از چاه بیرون آوردند!!

یکی از حساس‌ترین قضایای عصر امام جواد (علیه السلام) همین قضیه صغر سن آن بزرگوار بود که افراد زیادی این مسئله را به شبهه تبدیل کرده بودند و ادعا می‌کردند: "آیا مگر می‌شود یک فرزند هفت ساله به درجه امامت برسد و حجت الهی در روی زمین باشد و واسطه فیض میان خالق و مخلوق باشد؟!"

مخالفین در جلسات متعدد این شبهه را مطرح می‌کردند، اما امام جواد (علیه السلام) این شبهه را پاسخ می‌دادند و قضیه حضرت یحیی را که خداوند عالم در سوره مریم آیه ۱۲ بیان کرده قرائت می‌فرمود:

(یا یحییٰ خذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَ آتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا)

ای یحیی! کتاب (خدا) را با قوت بگیر، و ما فرمان نبوت (و عقل کافی) در کودکی به او دادیم.

سوره مریم (۱۹): آیه ۱۲

سپس می‌فرمودند:

(حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً)

تا زمانی که به کمال قدرت و رشد برسد، و به چهل سالگی وارد گردد.

سوره أحقاف (۴۶): آیه ۱۵

خداوند عالم به حضرت یحیی در کودکی نبوت داد و فرمود:

(یا یحیی خذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَ آتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا)

همچنین امام جواد (سلام الله علیه) به مخالفان ماجرای حضرت عیسی (علی نبینا و آله و علیه السلام) را تذکر می‌دادند که بعد از گذشت چند ساعت از به دنیا آمدنشان در قنداقه و گهواره، زمانی که مادر اشاره می‌کنند در رابطه با برائت از افترا یی که به حضرت مریم می‌زدند، فرمود: از این بچه سؤال کنید. مخالفین گفتند:

(كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا)

ما چگونه با کودکی که در گهواره است سخن بگوئیم!؟

سوره مریم (۱۹): آیه ۲۹

حضرت عیسی که نه چند هفته، نه چند ماه، نه هفت سال؛ بلکه چند ساعت از ولادتش بیشتر سپری نشده بود دهان گشودند و فرمودند:

(إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا وَ جَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ مَا دُمْتُ

حَيًّا)

من بنده خدایم به من کتاب (آسمانی) داده و مرا پیامبر قرار داده است. و مرا وجودی پر برکت قرار داده در هر کجا باشم، و مرا توصیه به نماز و زکات ما دام که زنده‌ام کرده است.

سوره مریم (۱۹): آیات ۳۰ و ۳۱

حضرت جواد الائمه (سلام الله علیه) با اشاره به این دو قضیه‌ای که خداوند عالم در سوره مریم آیه ۱۲ و آیه ۲۹ آورده این شبهه را برای آنان پاسخ می‌داد.

نکته دوم که در رابطه با حضرت جواد الائمه به صورت گذرا اشاره می‌کنم از این باب که:

خوش‌تر آن باشد که سرّ دلبران

گفته آید در حدیث دیگران

حضرت جواد الائمه (سلام الله علیه) همانند آباء گرامیشان موقعیت اجتماعی داشت به طوری که دوست و دشمن، سخن به مدح و ثنای او گشودند.

آقای «ذهبی» از استوانه‌های علمی اهل سنت متوفای ۷۴۸ هجری در کتاب «تاریخ الإسلام» در وفیات ۲۱۱ تا ۲۲۰ زمانی که به شرح حال امام جواد (علیه السلام) می‌رسد، می‌نویسد:

«کان یلقب بالجواد، وبالقانع، وبالمرتضى»

سپس می‌نویسد:

«کان من سروات آل بیت النبی»

او از شخصیت‌های برجسته آل بیت محمد (صلی الله علیه و آله) است.

«وکان أحد الموصوفین بالسخاء، ولذلك لقب بالجواد»

سخاوت و کرم او زبانزد عام و خاص است و به همین خاطر جواد لقب گرفته است.

تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان الذهبی،

دار النشر: دار الكتاب العربی - لبنان / بیروت - ۱۴۰۷ هـ - ۱۹۸۷ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. عمر عبد

السلام تدمری، ج ۱۵، ص ۳۸۵، ح ۴

افرادی زیادی همانند «محمد بن طلحه شافعی»، «شبراوی شافعی»، «نبهانی» و دیگران از امام جواد (علیه السلام) تعریف و تمجید کرده‌اند.

بنده تنها به سخنی از «ابن تیمیه حرانی» بزرگ نظریه پرداز وهابیت، موجودی که از قَرَن تا قدمش مملو از عداوت و نصب اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است اشاره می‌کنم.

او زمانی که به امام جواد می‌رسد، در کتاب «منهاج السنة» جلد چهارم صفحه ۶۸ می‌نویسد:

«محمد بن علی الجواد کان من أعیان بنی هاشم»

امام جواد از شخصیت‌های برجسته بنی هاشم بوده است.

«وهو معروف بالسّخاء والسؤدد ولهذا سمی الجواد»

او در بزرگی و سیادت زبازد عام و خاص است به همین خاطر جواد لقب گرفته است.

منهاج السنة النبویة، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس، دار النشر: مؤسسة

قرطبة - ۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ج ۴، ص ۶۸

نکته سوم که من در اینجا دوست دارم به آن اشاره‌ای داشته باشم تربیت شاگردان متعدد توسط امام جواد (علیه السلام) است. شاگردانی همانند «صفوان بن یحیی بزنتی»، و «ابن ابی عمیر» که تربیت یافته آن بزرگوار هستند.

دیگر شخصیت‌هایی همانند «محمد بن سنان» که از شخصیت‌های پرآوازه شیعه هستند شاگرد آن بزرگوار هستند. «ابن ابی عمیر» که از اصحاب اجماع و مشایخ ثقات است و جزء شخصیت‌هایی است که فقهای ما اتفاق نظر دارند بر اینکه:

«لا يروون و لا يرسلون الا عن ثقة»

روایات مسند و مرسل این بزرگواران برای فقهای ما حجت است.

شرح أصول الكافي، نویسنده: صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، محقق / مصحح: خواجوی، محمد،

ج ۱، ص ۱۵۱، باب مختارنا فی حجية هذا الاجماع

فقط «محمد بن ابی عمیر» تربیت یافته مکتب امام جواد (علیه السلام) به تنهایی ۹۴ کتاب تألیف کرده است که بخشی از این کتاب‌های ایشان جزء اصول اربعمئه و اصول چهارصدگانه است که تا قرن چهارم، قبل از «کلینی» محل رجوع فقهای شیعه بود.

نکته چهارم بحث بنده، عمدتاً در رابطه با موضع‌گیری‌های این بزرگوار در رابطه با فتنه‌ها و انحرافات است که در عصر آن بزرگوار بوده است.

قطعاً عزیزان می‌دانند بعد از شهادت حضرت سیدالشهدا (سلام الله علیه) عرصه بر اهل بیت و شیعیان در جامعه اموی و عباسی کاملاً تنگ بود.

به طوری که در زمان بنی امیه کار به جایی رسید که به تعبیر آقای «مزی» در کتاب «تهذیب الکمال»، آقای «ذهبی» در کتاب «سیر أعلام النبلاء» و «ابن حجر» در کتاب «تهذیب التهذیب» بیان شده است:

«كانت بنو أمية إذا سمعوا بمولود اسمه علي قتلوه»

اگر بنی امیه می‌شنیدند اسم فرزندی علی است او را ذبح می‌کردند.

سیر أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبي أبو عبد الله، دار النشر:

مؤسسة الرسالة - بيروت - ۱۴۱۳، الطبعة: التاسعة، تحقيق: شعيب الأرناؤوط، محمد نعيم العرقسوسی،

ج ۵، ص ۱۰۲، باب ۳۵ علی بن رباح

این موقعیت برای اهل بیت (علیهم السلام) تا زمان امام باقر و امام صادق (علیه السلام) حاکم بود. درگیری‌هایی که بین امویان و عباسی‌ها ایجاد شد، فرصت طلایی ایجاد کرد برای تأسیس دانشگاه بزرگ شیعه با رهبری این دو بزرگوار امام باقر و امام صادق (علیهما السلام).

بعد از شهادت امام صادق (علیه السلام) بازهم سختگیری‌ها نسبت به شیعه و امامان شیعه گسترش پیدا کرد. در این میان آمدن امام هشتم از مدینه به ایران فرصت باارزشی بود. مناظرات متعددی که امام رضا با پیروان ادیان مختلف و علمای بزرگ اهل سنت داشت بسیاری از حقایق شیعه را روشن کرد.

زمانی که نوبت به آقا امام جواد (علیه السلام) رسید، انحرافات که در جامعه اسلامی از زمان امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) ایجاد شده بود نمایان شد.

زمانی که امام کاظم مدتی از عمر شریف خود را در زندان سپری کردند، تعدادی از فرصت طلبان، آشوبگران و افرادی که نان به نرخ روز می‌خوردند و عاقبت خود را به دنیا می‌فروختند فرصت فتنه‌گری و تأسیس مذاهب ساختگی پیدا کردند.

ماجرایی همانند جریان «فتحیه»، «واقفیه»، «زیدیه»، «اسماعیلیه» مذاهبی ساختگی بود که در عصر امام جواد (علیه السلام) گسترش پیدا کرد. از جمله این فتنه‌گران، «ابو السمهری» بود که جزو فتنه‌گران جامعه و عصر امام جواد (علیه السلام) بود.

من دوست دارم عزیزان روی این قضیه دقت بیشتری کنند که ما بتوانیم از این جلسه باشکوهی که به نام نامی حضرت جواد الائمه (علیه السلام) است نسبت به موضع‌گیری‌های امام جواد در خصوص سران فتنه، الگوپذیری داشته باشیم.

مرحوم «کشی» در کتاب «رجال» خود صفحه ۵۲۹ حدیث شماره ۱۰۱۳ قضیه‌ای را از امام جواد نسبت به یکی از سران فتنه عصر خودش بیان کرده است.

این قضیه امروز برای ما می‌تواند راه‌گشا باشد. زیرا یکی از مسائلی که امروزه مطرح است موضوع فتنه و فتنه‌گری است که از سال ۱۳۸۸ گریبانگیر جامعه ما شده است و دشمنان ما هم دست بردار نیستند. هر روز بعضی افراد، حتی عزیزانی که تریبون مجلس را در اختیار دارند به دفاع از فتنه‌گران می‌پردازند. مشاهده کنید که موضع‌گیری امام جواد نسبت به این قضیه چیست؟! حضرت جواد الائمه به «اسحاق انباری» یکی از اصحاب می‌فرماید:

«قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ الثَّانِي (ع) مَا فَعَلَ أَبُو السَّمْهَرِيِّ لَعْنَهُ اللَّهُ يَكْذِبُ عَلَيْنَا، وَ يَزْعُمُ أَنَّهُ وَ ابْنُ أَبِي الزُّرْقَاءِ دَعَاهُ إِلَيْنَا»

ابو جعفر الثانی (علیه السلام) فرمودند: سران فتنه همانند ابو السمهری و ابن ابی زرقاء در جامعه فتنه‌گری می‌کنند. به دروغ مطالبی از ما نقل می‌کنند و آبروی ما را در جامعه زیر سؤال می‌برند.

«أُشْهِدُكُمْ أَنِّي أَتَبَرُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْهُمَا، إِنَّهُمَا فَتَانَانِ مَلْعُونَانِ»

من به خداوند عالم از این افراد برائت می‌جویم، زیرا این دو نفر سران فتنه هستند؛ خدا آن‌ها را به لعنت خود گرفتار کند.

«يَا إِسْحَاقُ أَرِحْنِي مِنْهُمَا يَرِحَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِعَيْشِكَ فِي الْجَنَّةِ»

ای اسحاق! کاری کن تا ریشه فتنه خشکیده شود و قلب من از این فتنه‌گری راحت شود.

«فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ يَجِلُّ لِي قَتْلُهُمَا»

اسحاق انباری می‌گوید: جانم فدای شما! چکار کنم؟! آیا خونشان بر من حلال است؟

«فَقَالَ: إِنَّهُمَا فِتْنَانِ يَفْتِنَانِ النَّاسَ وَيَعْمَلَانِ فِي خَيْطِ رَقَبَتِي وَرَقَبَةِ مَوَالِي»

سپس می‌فرماید:

«فَدِيمَاؤُهُمَا هَذَرٌ لِّلْمُسْلِمِينَ»

بر هر مسلمانی واجب است که این سران فتنه را از جامعه بردارند و نابود کنند.

«وَأَيُّكَ وَالْفُكَّاءُ»

مبادا او را ترور کنی و ناگهانی بکشی.

«فَإِنَّ الْإِسْلَامَ قَدْ قِيدَ الْفُكَّاءُ»

زیرا اسلام با هرگونه ترور مخالف است.

«وَأَشْفَقُ إِنْ قَتَلْتَهُ ظَاهِرًا أَنْ تُسْأَلَ لِمَ قَتَلْتَهُ»

مردانه جلوی او بایست و او را بکش و مواظب باش که کشتن او موجب قتل تو نشود و انسان مؤمن به خاطر یک فتنه‌گر کشته نشود.

رجال الكشي - إختيار معرفة الرجال، نویسنده: کشی، محمد بن عمر، محقق / مصحح: طوسی، محمد

بن الحسن / مصطفوی، حسن، ص ۵۲۹، ح ۱۰۱۳

این سخن امام جواد (علیه السلام) نسبت به این افراد است. فتنه‌گری‌های این افراد خیلی زیاد است. اما من به یک یا دو نمونه از فتنه‌گری‌های این افراد در رابطه با زیر سؤال بردن حیثیت اهل بیت (علیهم السلام) داشتند، اشاره می‌کنم.

عزیزان روحانی و اساتید بزرگواری که در جلسه ما شرف حضور دارند، می‌دانند ما یک سری روایات در باب نکاح و معاملات داریم. از آنجایی که این روایات مربوط به مستحبات یا مکروهات است، بزرگان و اعظام ما با توجه به تسامح در ادله سنن، متأسفانه توجه به سند آن ندارند.

بنده به یکی دو مورد از آن‌ها اشاره می‌کنم که در حال حاضر در شبکه‌های شیطنی وهابی برای ایجاد اختلاف میان شیعه و سنی، مرتب این روایات را مطرح می‌کنند.

در کتاب «کافی» در رابطه با اکراد، کردهای عزیز و غیور ما که بعد از انقلاب اسلامی ایران، شجاعانه در برابر فتنه‌گران و نیز در دفاع هشت ساله جانانه جنگیدند و افتخار آفریدند، روایتی از قول امام صادق نقل می‌کند. روایت چنین است:

«سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع فَقُلْتُ إِنَّ عِنْدَنَا قَوْمًا مِنَ الْأَكْرَادِ وَ إِنَّهُمْ لَا يَزَالُونَ يَجِيئُونَ بِالْبَيْعِ فَتُخَالِطُهُمْ وَ نُبَايِعُهُمْ فَقَالَ يَا أَبَا الرَّبِيعِ لَا تُخَالِطُوهُمْ فَإِنَّ الْأَكْرَادَ حَيٌّ مِنْ أَحْيَاءِ الْجِنِّ كَشَفَ اللَّهُ عَنْهُمْ الْغِطَاءَ فَلَا تُخَالِطُوهُمْ.»

از امام صادق پرسیدم آیا با کردها می‌توانم معاشرت داشته باشم و یا معامله کنم؟ امام فرمود: مبادا با کردها وارد معامله شوی، زیرا این افراد طایفه‌ای از جن هستند که پرده از روی آن‌ها برداشته شده است.

الكافي (ط - الإسلامية)، كلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ج ۵، ص ۱۵۸، ح ۲

بنده روزی خدمت یکی از اعظام بودم، به ایشان گفتم: اگر شما این روایت را در سنج بخوانید، چکار می‌کنند؟! ایشان گفتند: بالای منبر گردن من را می‌زنند!!

شما ببینید مرحوم «مامقانی» نسبت به یکی از راویان این سند می‌گوید: ایشان از بنی امیه و بنی عباس پول می‌گرفت، می‌آمد در جامعه حدیث جعل می‌کرد و به نام امام صادق، امام کاظم و امام رضا، در جامعه منتشر می‌کرد تا جامعه را به امامان شیعه بدبین کند!!

همچنین در روایت دیگری وارد شده است:

«وَلَا تُسَاكِنُوا الْخُوزَ وَلَا تُزَوِّجُوا إِلَيْهِمْ فَإِنَّ لَهُمْ عِرْقًا يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ غَيْرِ الْوَفَاءِ»

با خوزستانیها زندگی نکنید و با آنها ازدواج نکنید!

علل الشرائع، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ج ۲، ص ۳۹۳، ح ۴

همچنین در روایت دیگری آمده است:

«لَا تُتَاكَحُوا الرَّزَّيْحَ وَالْخَزَرَ فَإِنَّ لَهُمْ أَرْحَامًا تَدُلُّ عَلَىٰ غَيْرِ الْوَفَاءِ قَالَ وَ الْهَانِدَ وَ السُّنْدُ وَ الْقَنْدُ لَيْسَ فِيهِمْ

نَجِيبٌ يَغْنِي الْقَنْدُهَا»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۵،

ص ۳۵۲، ح ۳

یکی از افتخاراتی که بنده داشتم این است که بیست سال در همین حوزه تدریس علم رجال و درایه داشتم. اگر بخواهند در حوزه کسی که بیش از همه کتاب‌های رجالی را ورق زدند را مشخص کنند، یکی از آنها بنده هستم. بنده چندین هفته وقت گذاشتم و تمام روایاتی که نسبت به قبایل و اقوام و شهرها آمده را بررسی کردم. لذا قاطعانه می‌گویم که این روایات جعلی و دروغ است.

مشاهده کنید در کتاب «التدوین فی أخبار قزوین» در همان جلد اول فضائلی را برای قزوین و شهرهای دیگر مطرح می‌کند که حتی برای مکه مکرمه و مدینه منوره هم مطرح نمی‌کند!

تمام این روایات اثر فتنه‌گرانی همانند «ابو السمهری» و «ابو الربیع شامی» است که در جامعه مطرح می‌کردند تا آن قداست و طهارت ائمه بزرگوار اسلام را زیر سؤال ببرند و مردم را نسبت به آن بزرگواران بدبین می‌کردند. نکته پنجم که بنده می‌خواهم در این فرصت باقیمانده عرض کنم موضع‌گیری امام جواد (علیه السلام) نسبت به بعضی از صادرکنندگان فتاوی ضد دینی و فتاوی شنیئه بود.

امروز در جامعه ما مفتیان یا مفتکیهایی هستند که شب می‌خواهند، صبح فتوا صادر می‌کنند زیاد است. «شیخ مفید» در کتاب «الاختصاص» صفحه ۱۰۲ نقل می‌کند که راوی می‌گوید: ما نشسته بودیم و مشاهده کردیم که امام جواد (علیه السلام) هم آمدند و نشستند. عموی بزرگوارشان «عبدالله بن موسی» پیرمرد بزرگوار هم نشسته بود.

امام جواد مسئله‌ای را از عمویشان سؤال کردند و ایشان هم جوابی داد که کاملاً جواب خلاف شرع و خلاف سنت رسول گرامی اسلام بود. امام جواد (علیه السلام) که در آن زمان ۹ یا ۱۰ سال بیشتر نداشتند؛

«فَعَضِبَ أَبُو جَعْفَرٍ عَ ثُمَّ نَظَرَ إِلَيْهِ فَقَالَ يَا عَمُّ اتَّقِ اللَّهَ إِنَّهُ لَعَظِيمٌ أَنْ تَقِفَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»

ابوجعفر غضبناک شدند، به عموی خود نگاه کردند و فرمودند: ای عمو! تقوا پیشه کن، تقوا پیشه کن. بترس از روزی که تو را در محکمه عدل الهی حاضر کنند.

«فَيَقُولُ لَكَ لِمَ أَفْتَيْتَ النَّاسَ بِمَا لَا تَعْلَمُ»

و بگویند: چرا فتوا صادر می‌کنی؟!

الإختصاص، نویسنده: مفید، محمد بن محمد، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر و محرمی زرنندی،

محمود، ص ۱۰۲، باب حدیث محمد بن علی بن موسی الرضا ع و عمه

دوستان عزیز در یک جمله برای شما عرض کنم، ماجرای داعش و کشت و کشتاری که در کشورهای اسلامی و غیر اسلامی رواج پیدا کرده است، تماماً معلول فتاوی ضد دینی مفتیان مفتکی وهابیت است. این افراد از طرفی اعلام می‌کنند:

«المفتی یقوم مقام النبی فی الامة»

مفتی قائم مقام پیغمبر اکرم در امت است.

دوستان می‌توانند به روزنامه «الریاض» به تاریخ ۲۸ ماه رمضان ۱۴۳۱ مطابق ۷ سپتامبر ۲۰۱۰ مراجعه کنند.

مفتی اعظم عربستان سعودی آقای «آل شیخ» می‌گوید: "مفتی قائم مقام پیغمبر اکرم در امت است."

آقای «قرضاوی» مشهور به «مفتی ناتو» در سایت الفقه الإسلامی به تاریخ ۲۸ شعبان ۱۴۳۵ مطابق ۲۶ ژوئن

۲۰۱۴ یک پله بالاتر از «آل شیخ» می‌رود و می‌گوید:

«المفتی یقوم و یوقع عن الله!!»

مفتیان ما از طرف خداوند حق امضاء دارند!!

این در حالی است که ما جرئت نمی‌کنیم در رابطه با نبی گرامی اسلام و ائمه طاهرین (علیهم السلام) چنین تعبیری بیان کنیم.

این افراد فتاوی صادر می‌کنند مبنی بر اینکه: "هرکسی «یا علی» و «یا رسول الله» بگوید کافر، مرتد و واجب

القتل است و اموالش باید تصرف شود!!"

شما اگر به کتاب «الرسائل الشخصية» اثر «محمد بن عبد الوهاب» جلد اول صفحه ۱۴۷ مراجعه کنید، مشاهده می‌کنید که می‌گوید:

«من جعل بينه وبين الله وسائط يدعوهم أنه كافر مرتد حلال المال والدم»

الرسائل الشخصية، اسم المؤلف: محمد بن عبد الوهاب، دار النشر: مطابع الرياض - الرياض، الطبعة:

الأولى، تحقيق: عبد العزيز بن زيد الرومي، د. محمد بلتاجي، د. سيد حجاب، ج ۱، ص ۱۴۷، باب ۴ -

الرسالة الحادية والعشرون

منطق قرآن خلاف این است و خداوند عالم در قرآن کریم سوره مائده آیه ۳۵ می‌فرماید:

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید پرهیزگاری پیشه کنید و وسیله‌ای برای تقرب به خدا انتخاب نمائید و در راه او جهاد کنید باشد که رستگار شوید.

سوره مائده (۵): آیه ۳۵

یک جوان ناآگاه این فتاوی ضد اسلامی و ضد قرآنی را می‌بیند و بر خود اجازه می‌دهد شیعه و سنی را قتل عام کند. کار به جایی می‌رسد که فرزند شیرخواره را از مادر می‌گیرند و او را در روغن سرخ می‌کنند و همراه برنج برای مادرش می‌برند!! مشاهده کنید وحشی‌ترین ارتش دنیا چنین فتوایی را صادر نکرده است.

همچنین یکی از مفتیان وهابی مصر به نام «عبد الجلیل» استاد دانشکده اصول الدین مصر در کتابی به نام «ما لا يجوز الخلاف بين المسلمين» صفحه ۹۶ می‌نویسد:

"اگر کسی با بز یا بزغاله ازدواج کند، بز از او حامله شود و فرزندی شبیه پدرش بزاید و این فرزند بزرگ شود، روحانی شود و عمامه بر سر بگذارد و در روز عید قربان برای مردم نماز عید قربان بخواند، جایز است مردم این

امام جماعت را به اعتبار اینکه مادرش بز است قربانی کنند و گوشت او را به عنوان گوشت قربانی میان خود تقسیم کنند!!"

زمانی که دین و قرآن و شریعت مطرح نشود چنین فتاوی صادر می‌شود!! حال این فتاوی است که می‌شود مطرح کرد.

همچنین آقای «ابن حزم» در کتاب «المحلی» جلد ۱۱ صفحه ۲۵۳ مطلبی می‌نویسد که من آن را ترجمه نمی‌کنم و تنها متن عربی را می‌خوانم. فتوا چنین است:

«من تَزَوَّجَ أُمَّهُ الَّتِي وَلَدَتْهُ وَابْنَتَهُ وَأُخْتَهُ وَجَدَّتَهُ وَعَمَّتَهُ وَخَالَتَهُ وَبُنْتُ أُخِيهِ وَبُنْتُ أُخْتِهِ عَالِمًا بِقَرَابَتِهِنَّ مِنْهُ عَالِمًا بِتَحْرِيمِهِنَّ عَلَيْهِ وَوَطَنَهُنَّ كُلَّهُنَّ فَالْوَلَدُ لَا حَقَّ»

المحلی، اسم المؤلف: علی بن أحمد بن سعید بن حزم الظاهری أبو محمد، دار النشر: دار الآفاق

الجديدة - بیروت، تحقیق: لجنة إحياء التراث العربی، ج ۱۱، ص ۲۵۳، شماره ۲۲۱۵

مشاهده کنید دوری از اهل بیت (علیهم السلام) سبب صدور چنین فتاوی می‌شود. در این فتاوی وارد شده که اگر کسی با مادر خود ازدواج کند و از او بچه‌دار شود، بچه متعلق به این پسر است و باید مهریه مادر خود را هم بپردازد و بر او واجب است!!!

مشاهده کنید که چنین فتاوی شنیئه چنین افراد وحشی همانند داعش را هم تربیت می‌کند. بنده سخن برای گفتن زیاد داشتم، اما از آنجایی که وقت من به پایان رسید صحبت را تمام می‌کنم.

ان شاء الله عزیزمان جناب آقای سلحشور بزرگوار هم همه عزیزان ما را به فیض خواهند رساند.

بنده همین جا عرایض خود را خاتمه می‌دهم، اما ان شاءالله اگر فرصت دیگری باشد نسبت به موضع‌گیری‌های امام جواد (علیه السلام) در برابر انحرافات که در عصر آن بزرگوار بوده و بسیاری شبیه به انحرافات عصر ماست با شما گرامیان بیشتر سخن خواهم گفت.

خدایا به آبروی حضرت جواد الائمه فرج فرزند جواد الائمه حضرت حجة بن الحسن (ارواحنا له الفداه) را نزدیک بگردان. خدایا ما را از یاران خاصش قرار بده. خدایا قلب مقدسش را از ما راضی بگردان. خدایا انقلاب ما را به انقلاب جهانی حضرت بقية الله الأعظم متصل بفرما.

خدایا رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما. حوائج همه ما را برآورده نما. خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهل بیت به ویژه مقام معظم رهبری موفق و مؤید بدار.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهدا، صدیقین و صالحین بالأخص امام راحل صلواتی ختم بفرمایید.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم